

تأمین اعتبار برای اجرای طرحها و فعالیتهای جهاد سازندگی از محل اعتبار هزینه های ضرور عمرانی و عملیات اضطراری در روستاها

ماده واحده: از تاریخ تصویب این لایحه قانونی اعتبار سندی در ردیف ۵۰۳۰۱۸ منظور شده در قسمت چهارم قانون بودجه سال ۱۳۵۸ کل کشور تحت عنوان «هزینه های ضرور عمرانی و عملیات اضطراری روستاها» به ترتیبی که در پیوست شماره سه قانون ماده واحده اجازه پرداخت اعتبارات خاص ناحیه ای، راههای روستائی و نیازهای ضروری روستاها در سال ۱۳۵۸ بین استانها تسهیم شده است، در اختیار مرکز جهاد سازندگی هراستان قرار میگردد تا طبق ضوابط قانون تأمین اعتبار برای اجرای طرحها و فعالیتهای جهاد سازندگی و اساسنامه طرح جهاد سازندگی روستاها به مصرف برسد.

نخست وزیر

لایحه قانونی راجع به تفسیر ماده ۱۶ قانون امور گمرکی

مصوب ۳ خرداد ۱۳۵۰

ماده واحده - سهلت چهارراه مقرر در ماده ۱۶ قانون امور گمرکی راجع به مطالبه اضافه پرداختی و کسر دریافتی از طرف صاحبان کالا و گمرک شامل حقوق گمرکی و سود بازرگانی ماشین آلات تولیدی مندرج در بند ج ماده ۳ قانون تشویق صادرات تولید مواد اولیه و قطعات متفرقه موضوع تبصره ذیل ماده ۳۹ قانون امور گمرکی که وارد کنندگان پس از پرداخت یا تأمین آن موفق باخذ احکام معافیت برای آنها میشوند نیست.

تبصره - وجوهی که تا تاریخ تصویب این قانون پرداخت شده و بنابر اساس استنباط کمیسیونها قابل استرداد نمیشد، از شمول این قانون خارج است.

نخست وزیر

لایحه قانونی ارزبانی سهام شرکت ساختیم اسرائیل

ماده واحده - بوزارت کشاورزی و عمران روستائی اجازه داده میشود با توجه به مطالبات دولت ایران از اسرائیل سهام شرکت ساختیم را به قیمت روز ارزبانی و موقتاً در اختیار خود قرار دهد.

نخست وزیر

لایحه قانونی الغاء قانون تشکیل سازمان غله و قند و شکر و جای کشور

مصوب ۱۳۵۲/۲/۲۵

ماده واحده - از تاریخ تصویب این لایحه قانونی ماده واحده قانون تشکیل سازمان غله و قند و شکر و جای کشور مصوب ۱۳۵۲/۲/۲۵ لغو و سازمانهای غله و قند و شکر و جای کشور بصورت سه واحد مجزا شمول قانون استخدام کشوری اداره خواهد شد.

تبصره ۱ - بودجه وظایف و اهداف مقررات و آئیننامه های مالی و اداری سازمانهای فوق کماکان تا تهیه و تصویب مقررات جدید که به پیشنهاد وزیر بازرگانی و تصویب هیئت وزیران انجام خواهد شد بقوت خود باقی بوده و وزارت بازرگانی و سازمانهای فوق مکلفند در ظرف مدت ششماه اساسنامه لازم را تهیه و به هیئت وزیران پیشنهاد نمایند.

تبصره ۲ - سازمانهای فوق وابسته بوزارت بازرگانی بوده و رؤسای کل آنان از طرف وزیر بازرگانی انتخاب میگردد.

تبصره ۳ - تا تصویب اساسنامه های جدید اختیارات مجمع عمومی سازمان غله و قند و شکر و جای کشور به وزیر بازرگانی و اختیارات هیئت مدیره به رئیس کل سازمانهای فوق تفویض میشود.

نخست وزیر

لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص

ماده ۱ - دادگاه مدنی خاص تشکیل میشود از یک مجتهد جامع الشرایط و یا فرد صالحی که منصوب از طرف وی باشد و یک یا دو مشاور از قضات دادگستری ولی صدور حکم با مجتهد مذکور یا منصوب اوست. که ریاست دادگاه را خواهد داشت.

قاضی مشاور علاوه بر مشاوره با رئیس دادگاه نظارت در امور اداری و دفتری و ابلاغ و اجراء را به عهده دارد.

ماده ۲ - مراجع تجدیدنظر از آراء دادگاه مجتهدی است که از طرف وزارت دادگستری با تأیید یکی از مراجع تقلید تعیین میشود. اگر در محلی شخص واجد شرایط نباشد بمرجع تجدید نظر مرکز استان مراجعه خواهد شد.

ماده ۳ - صلاحیت دادگاه به شرح زیر است:

۱ - دعاوی راجع ب نکاح و طلاق و فسخ نکاح و مهر و نفقه و وجه و سایر اشخاص واجب النفقه و حضانت.

۲ - دعاوی راجع به نسب و وصیت و وقف و نكاح و حبس و تولیت و وصایت.

۳ - نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها.

۴ - سایر دعاوی حقوقی به تراضی طرفین دعوی.

تبصره ۱ - تقاضای نصب قیم و ناظر و ضم امین و عزل آنها و نظارت در امور محجورین کماکان با دادستان است.

تبصره ۲ - موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر باستناد ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی تقاضای طلاق میکند دادگاه بدو حسب آیه کریمه: (فان ختمت شقاق بینهما فابعدوا حکماً و من اهل و حکما من اهلها فان پیدا اصلاحا یوقی الله بینهما الله کان علیماً خیراً) موضوع را بدوری ارجاع میکند و در صورتیکه بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج خواهد داد، در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه بدادگاه لازم نیست.

حکم این تبصره در دادگاههای عمومی دادگستری نیز لازم الرعایه است.

ماده ۴ - مادام که در محلی دادگاه مدنی خاص تشکیل نشده، و یا بعد تشکیل بجای متحل شده باشد دادگاههای عمومی دادگستری به امور مذکور در ماده قبل رسیدگی میکند ولی دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق به نزدیکترین دادگاه مدنی خاص رجوع خواهد شد.

ماده ۵ - مرجع حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاه مدنی خاص و مراجع قضائی دیگر دیوانعالی کشور است.

ماده ۶ - دفتر دادگاه مدنی خاص یتربیی که برای دادگاههای عمومی مقرر است بقدر لازم کارمندان دفتری خواهد داشت. امور دفتری مرجع تجدیدنظر نیز بوسیله همین دفتر انجام میشود.

ماده ۷ - در نقاطی که دادگاه دارای چند شعبه باشد رئیس شعبه اول ریاست کل دادگاهها را داشته و پرونده های واصله را بنوبت بهر یک از شعب ارجاع میکند.

ماده ۸ - اصحاب دعوی مستقیماً بدفتر دادگاه دادخواست میدهند و یا بعد هزینه دادرسی را طبق مقررات قانون آئین دادرسی مدنی بپردازند و مادام که هزینه را نپردازند به دادخواست آنها رسیدگی نخواهد شد مگر اینکه به تشخیص دادگاه معسر باشند. سایر تشریفات آئین دادرسی لازم الرعایه نیست و ترتیب رسیدگی تابع مقررات شرع خواهد بود.

ماده ۹ - ترتیب و موارد تأمین خواسته بتجوی است که در آئین دادرسی مدنی مقرر است.

ماده ۱۰ - در مواردی که روشن کردن مسائلی محتاج باطلاعات فنی است دادگاه میتواند بکارشناس رجوع نماید.

ماده ۱۱ - وکلای دادگستری میتوانند بوکالت از اصحاب دعوی در دادگاه دخالت نمایند.

ماده ۱۲ - احکام دادگاه در موارد زیر قطعی و در سایر موارد قابل تجدید نظر است:

۱ - در صورتیکه حکم مستند به اقرار باشد اقرار شفاهی در صورت مجلس قید و یا مضاعف مقرر نمیشود.